

Formation of Political Threats of Islamic Civilization: Case Study of Martyr Seyed Mohammad Bagher Sadr

Mohammad Javad Herati¹, Seyyed Mohammad Javad Ghorbi²

1. Associate Professor of Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran (Corresponding Author);
mjharaty@yahoo.com

2. M.A in Islamic Political Thought, Imam Khomeini Institute, Tehran, Iran; ghorbi68@yahoo.com

Received: 21 July 2017; **Revised:** 10 September 2018; **Accepted:** 17 September 2018

Abstract

Understanding the threats facing Islamic civilization is essential to protect and preserve the achievements of this civilization and to determine the factors of its survival, and various scholars such as martyr Seyyed Mohammad Baqer Sadr has engaged to address this significant issue. The present paper uses the analytical-descriptive method to examine the political threats of Islamic civilization from the viewpoint of Martyr Sadr. The results showed that, according to Seyyed Mohammad Baqer Sadr, the relationship between culture, religion and knowledge affects the dynamics of civilization; also, unconditional freedom, injustice, the collapse of the relationship between the Imam and the Ummah, undermining social ties, deviation from Islamic principles, undermining the Islamic government, and disregarding the collective interests are the threats of Islamic civilization.

Keywords: Islamic Civilization, Seyed Mohammad Bagher Sadr, Political Threats, Justice, Social Ties, Freedom.

صورت‌بندی تهدیدات سیاسی تمدن اسلامی: مورد مطالعاتی شهید سید محمدباقر صدر

محمدجواد هراتی^۱، سید محمدجواد قربی^۲

۱. دانشیار دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول): mjharaty@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشکده امام خمینی (ره)، تهران، ایران: ghorbi68@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۹۷/۶/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۶

چکیده

شناخت تهدیدات پیش روی تمدن اسلامی، برای پاسداشت و حفظ دستاوردهای این تمدن و تمهید عوامل بقای آن، امری ضروری است که متفکران مختلف همچون شهید سید محمدباقر صدر نسبت به آن اهتمام ورزیده‌اند. مقاله‌ی حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی، تهدیدات سیاسی تمدن اسلامی را از دیدگاه شهید صدر مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان داد، که از دیدگاه سید محمدباقر صدر ارتباط میان فرهنگ، دین و دانش بر پویایی تمدنی تأثیرگذار هستند؛ همچنین مواردی نظیر آزادی بی‌قیدوبند، بی‌عدالتی، فروپاشی رابطه‌ی امام و امت، تضعیف پیوندهای اجتماعی، انحراف از اصول اسلامی، تضعیف حکومت اسلامی و بی‌توجهی به مصالح جمعی از تهدیدات تمدن اسلامی محسوب می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: تمدن اسلامی، سید محمدباقر صدر، تهدیدات سیاسی، عدالت، پیوند اجتماعی، آزادی.

طرح مسأله

شهید سید محمدباقر صدر را می‌توان از اندیشمندان معاصر مسلمانی دانست که با نوآوری در اندیشه‌ی خود، با اندیشه‌های غرب به رقابت پرداخت و افکار الحادی آن‌ها را به‌چالش کشاند. در عین حال، توانست پویایی اندیشه‌ی اسلامی و قدرت آن در رفع مشکلات جامعه و اداره‌ی زندگی نوین را بر مبنای عدالت و رفاه جامعه اثبات نماید (صدر، ۱۳۹۳ الف: ۸). از جمله مسائل مورد توجه ایشان، شناسایی تهدیدات درونی و بیرونی عرصه‌ی سیاست بود که می‌توانستند تمدن‌های بشری را با افول و ضعف مواجه سازند. شهید صدر در کتب و سخنرانی‌های خویش به آسیب‌شناسی ابعاد مختلف تمدن اسلامی پرداخته و تهدیدات سیاسی پیش روی تمدن‌های بشری را مورد بررسی قرار داده است. مقاله‌ی حاضر با بررسی آثار شهید صدر تلاش می‌کند به این سوال پاسخ دهد که: "تهدیدات سیاسی تمدن اسلامی از منظر سید محمدباقر صدر کدام‌اند؟" اگرچه در خصوص زوایای مختلف اندیشه‌ی شهید صدر مقالات، کتب و پایان‌نامه‌های زیادی به رشته‌ی نگارش درآمده‌اند، اما در حوزه‌ی تمدن‌شناسی پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است؛ به‌جز دو مقاله‌ی مختصر با عناوین "فرهنگ و تمدن از نگاه شهید صدر" (عنابتانی و عاشوری، ۱۳۹۲: ۳۸۸-۳۷۵) و "تمدن در اندیشه‌های شهید صدر" (جمشیدی، ۱۳۹۳)، اثر جامع و مستقل دیگری در این خصوص انجام نشده است. بداعت و نوآوری این مقاله در این راستا قابل ارزیابی است.

۱. رویکرد مفهومی: تمدن و تمدن اسلامی

"تمدن"، مصدر از باب تفعّل است که ریشه‌اش به مدینه و شهرنشینی برمی‌گردد (ضمیری، ۱۳۸۸: ۷۴). از منظر لغوی، تمدن را می‌توان تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت، انس و معرفت، اقامت در شهر، تربیت، ادب و... دانست (رشیدی، ۱۳۹۱: ۱۰)؛ به‌همین دلیل، برخی از نظریه‌پردازان، تمدن را مترادف اجتماع شهری و رهاشدگی از زندگی بدوی دانسته‌اند (پهلوان، ۱۳۸۸: ۳۵۷). با توجه به این رویکرد اذعان می‌توان کرد که تمدن‌ها در بستر فرهنگ شکل می‌گیرند (لیتون، ۱۳۷۷: ۳).

در یک نگرش، تمدن ناظر بر پیکره‌ی حیاتی یک جامعه دانسته شده است که بیش از همه،

آمیزه‌ای از دستاوردهای فکری و تجربی یا مادی و معنوی است (غفرانی، ۱۳۸۷: ۱۵). به اعتقاد نگارندگان، تمدن را می‌توان باهم‌بودگی اجتماع انسانی در راستای تأمین عدالت و امنیت دانست؛ به‌گونه‌ای که فرصت شکوفایی استعدادها و رشد همه‌جانبه‌ی افراد انسانی در تمامی سطوح را فراهم آورد و بسترهای ترقی ظاهری و باطنی اجتماع و فرد را به‌صورت توأمان همراه داشته باشد. تمدن اسلامی بیان‌گر همه‌ی جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد و در عین‌حال، همه‌ی مؤلفه‌های آن بر محور اسلام تعریف می‌شود. بدین‌ترتیب، تمدن اسلامی از همه‌ی ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر(ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن: دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره می‌باشد. به اعتقاد "ابن نبی" برای حصول تمدن اسلامی، باید مجموعه‌ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل گردد (اکبری و رضایی، ۱۳۹۵: ۹۰). در تعریف تمدن اسلامی آمده است:

«تمدنی دینی است که همه‌ی مؤلفه‌های آن بر محور اسلام باشد و این نوع از تمدن، بر اساس نگرش توحیدی و مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی، انسان را به‌سوی سعادت و کمال سوق می‌دهد» (زمانی محجوب، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

نگارندگان، اعتقاد دارد که تمدن اسلامی مبتنی بر پیشرفت‌های مادی و معنوی بوده و هدف غایی آن دستیابی به حیات طیبه و سعادت اخروی است. با توجه به این رسالت، تمدن اسلامی مبتنی بر معنویت و عقلانیت است و روح ایمان و توحیدباوری در تمامی ابعاد تمدنی (ظاهری و باطنی) نهفته است.

۲. تمدن در پرتو اندیشه‌های صدر

۲.۱. تعریف تمدن و ابعاد آن

بررسی دیدگاه‌های شهید صدر نشان می‌دهد که ایشان از سه تمدن به‌صورت دایم یاد می‌کند. در یک‌سوی، تمدن مطلوب قرار دارد که وی از آن با عنوان "تمدن اسلامی" یاد می‌کند؛ در سوی

دیگر، از تمدن‌های غربی و شرقی یاد می‌نماید (صدر، ۱۴۳۰، ج ۱: ۱۲۷). شهید صدر ضمن نقد پایه‌های مادی تمدن غربی، به تشریح تمدن اسلامی بر روی ویرانه‌های نظری تمدن مادی پرداخته است (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۲). بر این اساس، نظریه‌ی تمدن نوین اسلامی را می‌توان «نوعی پرسش از غرب و ابطال نظریه‌ی پایان تاریخ» (نجفی، ۱۳۹۳: ۱۴) دانست. در راستای چنین مقوله‌ای، محمدباقر صدر پیرامون مبانی، دستاوردها، مؤلفه‌ها و غایت تمدن غربی پرسش می‌نماید و تمدن غربی را مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد:

«استعمار وقتی شعار ارمغان‌آوردن علم و حقیقت را برای دیگر کشورها می‌دهد، در واقع دارد دیدگاه خودش نسبت به حقیقت را منتقل و به دیگران تحمیل می‌کند و این برای تمدن بشری خطایی بزرگ و فاجعه‌بار است» (صدر، ۱۳۹۴الف: ۲۵۰).

شهید صدر، برخی شاخص‌های مفهومی را برای تمدن در نظر گرفته است. برخی قرابت‌های مفهومی تمدن در اندیشه‌ی ایشان عبارتند از:

- «سازمان‌دهی اجتماعی» (صدر، بی‌تا: ۳۷ و صدر، ۱۳۹۳ب: ۲۲۲)،
 - «نظم اجتماعی» (صدر، ۱۳۹۳پ، ج ۱: ۲۱)،
 - «تحول اسلامی در روابط اجتماعی و زندگی فکری مبتنی بر پایه‌های روحی و فکری» (صدر، ۱۳۹۳پ، ج ۱: ۳۹۶)،
 - «الگوی زیست» (صدر، ۱۳۹۴الف: ۱۹۸)،
 - «نوآوری‌های صنایع و علوم» (صدر، ۱۳۸۱: ۱۸۲)،
 - «ساخت عقیدتی بر بنیاد ایمان به خدا» (صدر، بی‌تا: ۸)،
 - «شئون زندگی و نظام و قوانین اجتماعی مبتنی بر معنویات و ریشه‌کن‌ساختن رسوبات جاهلی» (صدر، بی‌تا: ۸)،
 - «جلوه‌های عدالت اسلام به‌عنوان روح تمدن اسلامی» (صدر، ۱۳۹۴الف: ۲۵۲)،
 - «خیر، پیشرفت و ترقی انسانیت در عرصه‌های صنعتی و قلمرو تولید» (صدر، ۱۴۳۴ب: ۴۵).
- بر این اساس، تمدن در اندیشه‌ی صدر را می‌توان الگو و روش زیست بشر در اجتماع، همراه

با پیشرفت در حوزه‌های ظاهری و باطنی در عرصه‌های نهادی، علمی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی دانست که بن‌مایه‌ی آن، دین و معنویت است. صدر معتقد است تمدن نبوی تمام ابعاد زندگی را در نظر دارد و انسان را از سرگردانی بین زندگی مادی و معنوی می‌رهاند (صدر، ۱۳۵۸ الف: ۷۶)؛ پس تمدن اسلامی نسبت به سایر ملت‌ها و تمدن‌ها بر اساس: حقیقت، عدالت و حمایت از مظلومین رفتار می‌نماید (صدر، ۱۴۳۲ الف: ۲۲).

از دیدگاه شهید صدر، بنیادهای تمدن اسلامی، متمایز از پایه‌ها و مبادی فرا نظری تمدن غربی است (صدر، بی‌تا: ۳۷)؛ چراکه محور تعیین‌کننده در ساخت تمدن اسلامی و احیای آن، "توحید" می‌باشد. در این دیدگاه، انسان نیز به‌عنوان کامل‌ترین موجودی که با دو عنصر عقل و آزادی متمایز شده است، موجودی وانهاده، بی‌هدف و رهاشده یا تحت قوانین جبری طبیعت نیست؛ لذا می‌تواند در مسیر کمال به پیش حرکت کند و تمدن بسازد (جمشیدی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۲۵۹-۲۵۸).

از نظر شهید صدر، وحدت در تمدن اسلامی مبتنی بر دو وحدت "عاطفی" و "فکری" است. ملاک وحدت عاطفی، اشتراک در جغرافیا و زبان و تاریخ است؛ اما وحدت فکری، در ایمان به یک فکر و عقیده ریشه دارد. در تشکیل تمدن مطلوب، هم عواطف دخالت دارند و هم عقل؛ اما فکر و عقل ملاک مهم‌تری است. از نظر ایشان، وحدت فکری عبارت است از: ایمان جمعی از مردم، به اندیشه‌ای واحد که وحدت سیاسی خود را بر آن مبتنی ساخته‌اند؛ و این وحدت چون امری طبیعی است، لذا شایسته است که آن را مبنای کیان سیاسی تمدن قرار داد. با این بیان، وحدت و همبستگی فکری افراد موجب می‌شود تا پایه‌های نهادی و ساختاری تمدن را تشکیل دهند (نصری، ۱۳۹۴: ۴۵۱).

۲.۲. نسبت دین، فرهنگ، علم و تمدن از دیدگاه صدر

شهید صدر در کتاب "ومضات" تأکید دارد که تمدن و فرهنگ با یک‌دیگر تمایز دارند (صدر، ۱۴۳۴ ات: ۲۹۴). وی در توضیح این مطلب می‌نویسد:

«فرهنگ غیر از تمدن است؛ فرهنگ نگرش امت به زندگی، و تمدن روش‌های زیستن است که با تحول علوم و اکتشافات تغییر می‌کند» (صدر، ۱۳۹۴ الف: ۳۲۷).

در توضیح "نسبت دین و تمدن" در اندیشه‌ی صدر باید متذکر شد که آموزه‌های دینی، محصول تمدن نیستند، بلکه دین امری فطری است و مقوله‌ای تأثیرگذار بر تمدن است (صدر، ۱۴۰۹ق: ۹۰). ایشان بر این اعتقاد است که «دین، فطرت الهی است که مردم را بدان سرشته و هیچ‌گاه خلقت را نمی‌توان دگرگون ساخت. بر این اساس، دین مربوط به تمدن نیست که در طول تاریخ، اکتسابی باشد؛ زیرا در این صورت دیگر دین، فطرت الهی نخواهد بود» (صدر، ۱۳۸۱: ۱۲۵). از این رو در تمدن اسلامی، دین امری غیرقابل تبدیل است و به‌مثابه یک سنت الهی در تمدن اسلام همواره ثابت و لایتغیر خواهد بود. «دین، فطرتی است که خداوند سرشت مردم را بر آن نهاده است؛ و خلقت خدایی، غیرقابل تبدیل است. اگر دین قابل تبدیل باشد، در این صورت، دین یکی از چیزهایی می‌شود که انسان از میان پیشرفت‌های مدنی و اجتماعی‌اش در طول تاریخ به‌دست آورده است» (همان: ۱۲۶-۱۲۵).

در خصوص رابطه‌ی "تمدن و علم" شهید صدر معتقد است که فرهنگ اسلامی با علم و دستاوردهای علمی در بستر تمدن مخالفتی ندارد (صدر، ۱۳۹۴الف: ۳۲۸). علم و دانش در تمدن اسلامی وسیله است و نه غایت. ایشان معتقد است همه‌ی علوم آن‌گاه مفید خواهند بود که در مسیر شناخت اسلام، خدمت به اسلام و مسلمین باشد (حسامی، ۱۳۹۰: ۲۰). با این اوصاف، مجموعه بیانات صدر نشان می‌دهد که اگر علم و دانش، فرهنگ و دستاوردهای فرهنگی در تعامل با دین و آموزه‌های اسلامی قرار داشته باشند، تمدن اسلامی تقویت شده و گستره‌ی تهدیدات سیاسی از آن زدوده می‌شود. از این‌رو، مثلث: "دین اسلام"، "دانش" و "فرهنگ بشری"، از مقومات تمدنی هستند که عدم حراست از آن‌ها، منجر به تهدیدزایی می‌شود. در ادامه به برخی از تهدیدات سیاسی اشاره خواهیم کرد.

۳. تهدیدات سیاسی تمدن اسلامی در منظومه فکری صدر

تهدید عبارت است از: شرایط، فعالیت، مقاصد و مقدرات بالفعل و بالقوه‌ای که منجر به تحدید یا ناکامی در دستیابی به اهداف، منافع و مقاصد می‌شود (کریمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۷). تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی است؛ به‌گونه‌ای که سه عامل حیاتی: ایده، سازمان و منافع از تعرضات بیرونی و درونی در امان نباشند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۶۴-۱۶۳).

۳،۱. تضعیف پیوندهای اجتماعی و همکاری‌های تمدنی

پیوند اجتماعی، فرض و اعتباری است که جامعه یا هر تشریح‌گر دیگر برای دستیابی به هدفی معین برمی‌نهد (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲: ۴۹). این پیوند در تمدن اسلامی مبتنی بر چهار رابطه‌ی فی‌مابین: انسان، طبیعت، خدا، و زندگی اجتماعی وضع می‌شود. تمدن غربی به سه رابطه‌ی انسان، طبیعت و جامعه توجه دارد و از "الله" غافل شده است (صدر، ۱۳۸۱: ۱۳۶). صدر تأکید دارد:

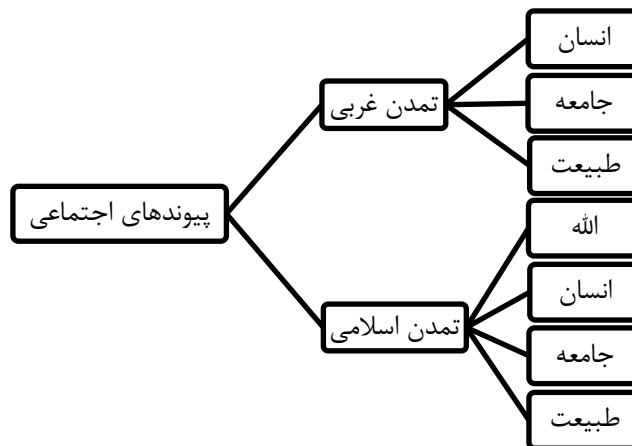
«پیوند دین برای زندگی، عبارت از پیوند اجتماعی چهار طرفه است؛ به تعبیر قرآن،

امانت است؛ خلافت و استخلاف است. این پیوند اجتماعی نیز به‌نوبه‌ی خود یکی

از سنت‌های تاریخ به‌معنای قرآنی آن است» (همان: ۱۴۱-۱۴۰).

به‌نظر شهید صدر، همین بی‌توجهی و غفلت اگر در تمدن اسلامی واقع شود، تهدیدی هستی‌شناختی و بنیادی محسوب می‌شود که می‌تواند کیان تمدن و نظام اسلامی را نابود سازد. وی در کتاب "المدرسة القرآنية" بر رابطه‌ی انسان‌ها با یک‌دیگر به‌عنوان پیوند اجتماعی در عرصه‌های اجتماعی و همکاری‌های تمدنی تأکید دارد (صدر، ۱۴۳۴: ۱۵۹) و در همین راستا اشاره می‌کند که یکی از مشکلات بشری در بحث تمدن، تضاد اجتماعی بین انسان و هم نوع او است که در جامعه‌ی انسانی به شکل‌های گوناگون بروز می‌نماید، ولی در جوهر خود، تغییری نمی‌کند؛ و هم‌چنان یک روح و حقیقت کلی باقی می‌ماند که همان تضاد بین ضعیف و توانمند است (صدر، ۱۳۹۵: ۱۸۰). وی بر این باور است که برای زدودن آسیب‌های تزلزل در پیوندهای اجتماعی ضمن پاک‌سازی تضادهای اجتماعی در صحنه‌ی اجتماع، باید تضادهای درونی انسان را نیز از بین برد تا ریشه‌ی تضادهای اجتماعی در حوزه‌ی تمدنی از بین برود (همان). به‌هراندازه‌ای که اجتماع انسانی در مسیر تمدن‌سازی، از پیوندهای اجتماعی دورتر شود و تضاد میان افراد - که ناشی از فزون‌خواهی باطنی انسان در جامعه است - بیشتر شود، ماهیت تمدن با تهدید بیش‌تری مواجه می‌شود. به‌همین‌دلیل شهید صدر تأکید می‌کند که راه برون‌رفت از گسستگی در پیوندهای اجتماعی، ایجاد توازن در ساختارهای تمدنی است و «نظامی که توازن را در میان افراد امت برقرار می‌سازد، جلوی ضربه به امت و پیوند اجتماعی را می‌گیرد» (صدر، ۱۳۹۴ الف: ۳۳۱).

بنابراین، بررسی ارتباط چهارگانه‌ی عناصر پیوند اجتماعی در تمدن اسلامی نشان می‌دهد که نوعی همکاری تمدنی در حیات مسلمانان وجود دارد که تزلزل در هر یک از عناصر چهارگانه نسبت به سایر پیوندها، تهدیدی جدی برای تمدن اسلامی ایجاد می‌کند و پویایی تمدن و عدم انحراف از مسیر اصلی آن، در گرو همکاری عناصر چهارگانه‌ی فوق‌الذکر در عرصه‌ی تمدنی است. ارکان نظام استخلاف در تمدن اسلامی مورد نظر شهید صدر، عبارت است از: الله، انسان، جامعه و طبیعت؛ و پیوند میان این چهار بعد، همکاری تمدنی مطلوب را به وجود می‌آورد و تضمین‌گر سلامت و امنیت تمدن اسلامی می‌شود. هم‌چنین قطع‌شدن ارتباط میان هر بعد از پیوندهای نظام استخلاف، تهدید سیاسی محسوب می‌شود.



نمودار پیوندهای اجتماعی در تمدن اسلامی و غربی

۳,۲. الحاد و انحراف از آموزه‌های اسلامی

تمدن غربی بر همه‌ی شئون زندگی انسان امروزی مسلط شده و نه‌تنها موجب استثمار و بهره‌کشی از انسان و طبیعت گردیده است، بلکه زندگی آدمیان را به‌دور از عالم قدسی و بریده از اصول زندگی معنوی، جهت داده است (متولی، ۱۳۹۴: ۸). از همین‌رو، انحطاط اخلاقی و فقدان معنویت و معنا از مهم‌ترین بحران‌های درونی تمدن‌های مادی، علی‌الخصوص تمدن غربی، است

(خدایاری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۹۲). این در حالی است که در «تمدن اسلامی... اسلام عامل اصلی و محرک اساسی و به وجود آورنده‌ی شرایط این تمدن و فرهنگ بوده و روح حاکم بر آن، روح اسلامی است» (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۳۰). این موضوع نشان می‌دهد که آموزه‌های اسلامی در اندیشه‌ی صدر، هویت‌بخش تمدن اسلامی و در عین حال، عامل استحکام عناصر تمدنی است؛ لذا تخریب آن، سازمان‌دهی سیاسی و ثبات اجتماعی ناشی از اعتقادات و آموزه‌های الهی را با مشکل مواجه می‌سازد.

تصدیق وجود خداوند یکی از درخور توجه‌ترین دستاوردهای تمدن بشری است (مسترسن، ۱۳۸۹: ۹). بنابراین، بزرگ‌ترین عامل پس‌ماندگی مسلمانان را باید انحراف آنان از اصول و آموزه‌های اساسی اسلام دانست. نسخ‌شدن روح اصیل باورهای اسلامی؛ درک نادرست از مقتضیات روز و نیازهای زمانه؛ مقابله‌گری با دستگاه فکری اجتهاد، نوآوری و اندیشه‌ورزی؛ گسترش روحیه‌ی گوشه‌نشینی و تصوف منفی؛ دگرگونه جلوه‌دادن دیدگاه‌های پیشرفته‌ی اسلامی برای توجیه اعمال و افکار غیر اسلامی؛ و چیرگی گرایش‌های سطحی‌نگر و ظاهرپرستانه، از عوامل پس‌ماندگی مسلمانان به‌شمار می‌رود (آقاجانی، ۱۳۸۱).

باید توجه داشت که اندیشه‌های مادی در جهان اسلام و در فرهنگ و تمدن اسلامی سابقه‌ی طولانی دارد. از آیات قرآن برمی‌آید که اندیشه‌ی انکار خدا و معاد در عصر جاهلیت در میان مردم وجود داشته است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۴۴)؛ لاجرم، الحاد یکی از موانع و تهدیدات تمدن اسلامی محسوب می‌شود و بر اساس بینش اسلامی، دیدگاه تلازم توسعه و الحاد در مسیر تمدن‌سازی، امری باطل و مردود است (رضایی، ۱۳۹۱: ۳۹۱-۳۹۰). این در حالی است که صدر، مشکل الحاد و بت‌پرستی را مهم‌ترین تهدید و آسیب در طول تاریخ تمدن بشری می‌داند (صدر، ۱۳۸۸: ۱۴) زیرا سبب بازداشتن تمدن و جامعه‌ی انسانی از حرکت، پویایی، خلاقیت و ابتکار می‌شود و ضمن سرگردان نمودن انسان‌ها، مانع ارتباط جامعه‌ی انسانی با پروردگار در تنگناهای مسیر زندگی و فراز و فرود تمدنی می‌شود (صدر، ۱۳۵۸ الف: ۸۲ و همو، ۱۴۳۴ الف، ج ۱: ۷۵۳). بر اساس اندیشه صدر، امر به معروف و نهی از منکر به همراه دعوت به اسلام و دین، از

مهم‌ترین وظایف و واجبات اسلامی در مجتمع انسانی (تمدن بشری) است (نعمانی، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۲۰) که می‌تواند مانع بروز انحراف دینی و الحاد در سازمان تمدن شود. وی در کتاب "اقتصادنا" تأکید می‌کند:

«بدون شک در اثر خالی‌شدن جوامع سرمایه‌داری از معنویت و روش خاص زندگی آن‌ها، انسانیت با فاجعه‌هایی مواجه بوده است. و اگر با ابزار معنویت محدود نگردد، انسان را به بی‌راهه می‌رساند» (صدر، ۱۳۹۳پ، ج ۱: ۳۱۷).

به نظر ایشان، در نتیجه‌ی این بحران اخلاقی و معنوی در تمدن‌های بشری است که جهان آماده‌ی ظهور تمدن ناب اسلامی و حکومت مهدوی می‌شود (صدر، ۱۴۱۰ق: ۶۴ و همو، ۱۳۸۵: ۶۹-۷۱).

با توجه به همین مشکلات بود که شهید صدر اعتقاد دارد یکی از مهمترین رسالت‌های پیامبر گرامی اسلام نیز ایجاد جامعه‌ی نوینی با معیارهای اخلاقی و انسانی و عاری از پیرایه‌های پوچ در دوران جاهلیت است (فیاض، ۱۴۰۶ق: ۵). وی در همین‌راستا به کشورهای اسلامی توصیه می‌نماید تا «مانع از افتادن مسلمانان به الحاد شوند» (صدر، ۱۳۹۴الف: ۳۷۲). پس باید زیربنای تفکر اسلامی - یعنی توحید - را پذیرفت؛ اگر انسان در برابر خالق یکتا خضوع و خشوع کند، دیگر در برابر بت‌های مدرن تسلیم نمی‌گردد و الحاد به‌عنوان یک تهدید مهم برای تمدن نوین اسلامی، از جامعه رخت برمی‌بندد.

۳,۳. متلاشی‌شدن رابطه‌ی امام و امت

سطح سرپرستی و مدیریت جامعه در فرایند تمدن‌سازی، امری بایسته است و هم‌افزایی امام و امت یکی از لوازم مدیریت تمدنی هست (متولی، ۱۳۹۴: ۱۵۷-۱۳۸). شهید صدر در این رابطه بیان گیرایی دارد:

«هر تحول فراگیر در جامعه، زمانی که زائیده‌ی عوامل محسوس است، نمی‌تواند بدون مقدمه و بی‌ارتباط با مراحل مقدماتی و جدا از جریانی باشد که پیش از آن به‌وجود می‌آید؛ به‌تدریج رشد می‌کند؛ از نظر فکری و معنوی گسترش می‌یابد؛ تا

جایی که در درون آن، رهبری شایسته‌ای به وجود آید و مسئولیت پیشوایی را برعهده گیرد و به تناسب مقتضیات جامعه، آن را به طرف ترقی هدایت کند» (صدر، ۱۳۶۲: ۸۱).

به این ترتیب، اگر میان امام و پیشوای جامعه با امت در تمدن اسلامی پراکندگی و فقدان هم‌بستگی وجود داشته باشد، متلاشی شدن تمدن، امری حتمی است و در برابر هجمه‌های خارجی و تمدن‌های رقیب، مورد تهدید قرار می‌گیرد. صدر در کتاب "سنت‌های تاریخ در قرآن" اذعان می‌دارد:

«نخستین رفتار تاریخی اجرایی، متلاشی شدن در برابر یک حمله‌ی نظامی از خارج است؛ زیرا این ملت از درون پوسیده شده، دیگر هم‌بستگی خارجی یک ملت به هم پیوسته را ندارد. تنها افراد پراکنده‌ای هستند که دور هم جمع شده‌اند؛ هرکدام به فکر خوراک، لباس و مسکن شخصی خود هستند و مانند یک ملت برای جامعه نمی‌اندیشند. در این صورت، ملت در مقابله با حمله‌ی نظامی از خارج متلاشی می‌شود. این موضوع، درست مسأله‌ای است که امروز دقیقاً برای امت اسلامی ما پیش آمده. وقتی مسلمانان ایده‌آل برتر خود را از دست دادند و از تحت ولایت و نفوذ عنایت خدا، خود را رها ساختند، طعمه و شکار خوبی در چنگال مغول‌های کافر قرار گرفتند. در آن روز، تمدن اسلامی سقوط کرد و دنیای اسلام که از خارج مورد حمله واقع شده بود، از درون هم دگرگون گردید» (صدر، ۱۳۸۱: ۱۶۸).

یکی از بسترهای هم‌افزایی میان امام و امت در فرایند تمدن‌سازی، توجه به وظایف و رسالت‌ها، توسط هرکدام از آنهاست تا جایی که عدول و بی‌توجهی به وظایف هرکدام، منجر به بی‌اعتمادی و تهدیدی مهم علیه تمدن اسلامی می‌شود. اگر «حاکم بر مبنای امیال شخصی در قلمرو قدرت‌ش حکومت کند و حکومتش بر اساس مبنای فکری مشخصی که دارای نگرش خاصی نسبت به روابط انسان‌ها با یک‌دیگر و هستی و زندگی و خالق جهان باشد، بنا نشده باشد، این وضعیت خطرش برای اسلام و عقیده بیش‌تر است» (صدر، ۱۳۹۴: ۴۵۴).

یکی از ملاک‌های نابودی هم‌افزایی امام و امت اسلامی در تمدن اسلامی، خروج رهبران جامعه از مسیر عدل و تجاوز به حقوق دیگران با روحیه ستمگری است. به تعبیر شهید صدر: «خطرناک‌ترین مراحل این است که ستمگران و عناصر کثیف بر امت مسلط می‌شوند. در این شرایط، اینان هیچ‌گونه رعایت عهد و پیمانی را نمی‌کنند. قرآن در این مورد گوید: "وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَ مَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ" (انعام: ۲۳)؛ بدین‌گونه در هر سرزمینی، بزرگ مجرمانی قراردادیم تا مکر و سوء سیاست کنند و مکر آن‌ها جز به خودشان به دیگران باز نمی‌گردد. در این وضع گروهی از تبار مجرمان مسلط می‌شوند» (صدر، ۱۳۸۱: ۱۸۲).

رابطه‌ی امام و امت در تمدن اسلامی باید به‌گونه‌ای باشد که ملت، خواستار دگرگونی شرایط نامساعد باشد و بسیج عمومی توده‌ها در ساخت تمدن نوین اسلامی به‌خوبی انجام شود و نظارت مرجعیت به‌گونه‌ای باشد که مانع از عقب‌ماندگی مسلمانان شود. شهید صدر در رساله‌ی "سرچشمه‌های قدرت در حکومت اسلامی" بر این امر تأکید کرده و می‌نویسد:

«بسیج توده‌ها و اراده‌ی عمومی در مسیر پس‌جنبش همه‌ی توده، شرط بنیادی است برای پیروزی در هرگونه عملیاتی که به‌منظور ساختن تمدنی نو یا مبارزه‌ی گسترده علیه عقب‌ماندگی انجام می‌گیرد؛ زیرا جنبش آن، نشانه‌ی از پرورش یافتن آن، و پرورش اراده‌ی آن و آزادشدن استعدادهای درونی آن است. و هر جا توده پرورش نیابد، هیچ شیوه و روشی نمی‌تواند چیزی از واقعیت را دگرگون نماید» (صدر، بی‌تا: ۲۵-۲۴).

یکی از اهرم‌های موجود، رهبر جامعه است که می‌تواند نقشی شگرف در پیشرفت تمدنی داشته باشد. به‌همین دلیل، پیوند وثیق پیشوا و امت می‌تواند تمدن را از تهدیدات درونی و بیرونی ایمن سازد و عقب‌ماندگی‌های موجود را برطرف سازد. شهید صدر معتقد است حکمرانی بر اساس وحی خداوند متعال، مانع فروپاشی جامعه و امت می‌گردد و در نقطه‌ی مقابل، اگر حکمرانی بر اساس وحی خداوند متعال تعطیل شود، پیشوایی و رهبری، به راه ناصواب خواهد رفت و جامعه ذوب خواهد شد. از این‌رو، وجود پیشوا و امامی صالح در کنار امت اسلامی